

# طرح قانون آئين دادرسي كيفري

يا اعاده حيثيت نسبت به آنها اعطاء شده و بعداً هم ملغى شده است .

۷ - محكوميت براي اموريكه قانون آنها را هنگام درخواست گواهي نامه بزه نمى شناسد

۸ - رأى هائيكه ضمن حكم منع تعقيب يا تبرئه راجع با اقدامات تأميني صادر شده بحدافسخ گرفته است

۹ - رأى هاي مذكور در شق ۲ و ۳ و ۴ ماده ۵۹۷

۱۰ - احكام كشورهاي بيگانه كه در كشور ايران مقرر شناخته نشده است .

ماده ۶۰۲ - هرگاه در باب اجراء مقررات مواد سابقه اختلافي حاصل شود يا تصحيح سجل جزائي يا گواهي راجع بآن درخواست گردد دادستان شهرستان بدرخواست شخص ذينفع اقدام برسيدگي مى نمايد و شخص ذينفع اگر بتصميم دادستان تسليم نباشد ايراد جزائي ميكند .

## فصل سوم

### اجراي حقوقى در موضوع جزائي

#### مبحث اول - هزينه

ماده ۶۰۳ - هزينه تعقيب كيفرى از صندوق دولت بطور مساعده پرداخته ميشود مگر در موارد بزههائي كه جز يشكايه خواهان خصوصى قابل تعقيب نبوده و حكم اعسار اراهم صادر نشده است كه در اين صورت هزينه را خواهان خصوصى مى پردازد .

ماده ۶۰۴ - هزينه اجراي حكم اعدام و هزينه راجع با اجراي حكم مجازات حبس بمعهده دولت است و

هزينه نگاهداري زنداني بنحويكه در ماده ۱۷۹ قانون

ماده ۶۰۰ - كسى كه سجل جزائي مربوط بخود اوست مى تواند بدون آنكه غرض خود را بيان كند گواهي نامه بخواهد .

گواهينامه راجع بسجل جزائي شخص ديگر را مى توان فقط براي استناد در دادرسي يا بجهت مربوط با انتخابات يا بقرارداد كار درخواست نمود .

درخواست كندمه بايد در آن ذكر كند كه گواهينامه براي چه غرض خواسته شده و دليل اقامه نمايد كه درخواست اوداراي فائده مشروعي ميباشد .

ماده ۶۰۱ - در گواهينامه كه بدرخواست اشخاص طبق ماده پيش صادر ميشود امورد ذيل نبايد قيد شود :

۱ - حكم تبرئه كه در نتيجه اعاده دادرسي صادر ميشود و همينطور حكم محكوميت سابق مربوط بآن

۲ - محكوميتي كه بر حسب رأى دادرسي بموجب ماده ۱۵۹ قانون مجازات عمومي نبايد در گواهينامه مربوط بسجل جزائي قيد شود بشرط آنكه اين رأى فسخ نشده باشد .

۳ - اولين محكوميت بجزاي تقدي يا بحبس يكه به تنهائي يا بضميمه مجازات ديگر از يكسال حبس يا كار يادوسال حبس ناديبى تجاوز نكند در باره شخصي كه در موقع ارتكاب عمل ۱۸ سال تمام نداشته بشرط آنكه محكوميت متأخرى بمجازات حبس نداشته باشد .

۴ - محكوميت بيزهي كه مطابق ماده ۱۷۴ قانون مجازات عمومي ساقط شده است .

۵ - محكوميت هاي راجع بزههائيكه مطابق ماده ۴۴۰ قانون مجازات عمومي ساقط شده است .

۶ - محكوميت هائيكه مورد عفو عمومي واقع شده

کیفر عمومی مقرر است احتساب میشود \*

حل اختلاف راجع بپرداخت هزینه با دادرس ناظر اجرا است.

ماده ۶۰۵ - حکم بتادیه هزینه دادرسی که دولت به نحو مساعد بپرداخته بموجب رأی دادگاه بترتیب مقرر در قوانین و آئین نامه ها داده میشود.

ماده ۶۰۶ - در مورد بکه دادرس امر بنشر حکم جزائی در روزنامه میدهد مدیر یا سر دبیر مسئول روزنامه که تعیین شده باید بدخواست دادرس با کسی که ملزم بنشر حکم یا مجاز در آئین آنرا در روزنامه خود درج کند و هزینه آن را مطابق بها و به طریقی که در مقررات راجع بتعرفه های جزائی معین است بپردازد و در صورت اختلاف بموجب قرار رئیس دادگاه محلی که روزنامه در آنجا چاپ میشود هزینه تعیین میشود و اگر طرفین اختلاف در موقع رسیدگی حاضر شوند اظهارات آنها استماع میشود این اختلاف مجوز تاخیر انتشار حکم در روزنامه نمیشود \*

بنشر حکم چه بنام و چه بطور خلاصه بهر نحو که دادرس حکم کرده بکن است بوسیله برگی بقطع و شکل و حروف خود روزنامه که بهر نسخه از آن ضمیمه باشد بمیل آید - تمام یا خلاصه حکم باید یکجا و بی کم و زیاد منتشر گردد \*

اگر مدیر یا سر دبیر مسئول روزنامه بامقررات سابقه بنحوی از انحاء مخالفت کند بامتصدی چاپ و مالک چاپخانه متضامناً محکوم میشوند که مبلغی از پنج هزار تا ده هزار ریال بصدوق جرائم بپردازند.

این محکومیت بصورت قرار از طرف دادگاه شهرستان محل چاپ روزنامه بدخواست داد سرا یا طرف خصوصی پس از استماع اظهارات اشخاص ذینفع در صورت حضور آنها صادر میشود.

### مبحث دوم

مقررات مالی راجع باشیاء بازداشته برای

تعقیب جزائی

ماده ۶۰۷ - اشیاء بازداشته نامدتی که برای تعقیب لازم است بحال

بازداشت نگاهداشته میشود \*

پس از ختم تعقیب اگر اشیاء مذکوره متعلق بمحکوم باشد و حکم ضبط آن صادر شده باشد بملکیت دولت منتقل میشود در سایر موارد بعنوان وثیقه پرداخت دیون مذکور در ماده ۲۲۰ قانون کیفر عمومی بحال بازداشت مینماند مگر در صورتی که محکوم ضامن یا وثیقه کافی دیگری بدهد \*

اگر اشیاء متعلق بمحکوم نباشد و حکم ضبط صادر نشده باشد پس از قطعی شدن حکم محکومیت به کسی که ثابت کند که مال او است تسلیم میشود \*

بعد از حکم قطعی بمنع تعقیب متهم اشیاء بازداشته که نباید ضبط شود بکسی که ثابت کند مال متعلق اوست تسلیم میگردد اگر کسی ثابت نکند که مال اوست بمتهمی که حکم منع تعقیبش صادر شده تسلیم نمیشود و همانطور در بازداشت مینماند تا بر طبق ماده ۶۱۰ اقدام شود \*

جز در موارد بکه نگاهداشتن مال در بازداشت الزامی است در سایر موارد هرگاه اشیاء بازداشته برای تعقیب جزائی مفید فائده نباشند ممکن است قبل از صدور حکم بکسی که درخواست نموده و ثابت کرده که مال اوست تسلیم شود دادرس در صورت اقتضا و راملتزم میکند که هر وقت خواسته شد آن اشیاء را حاضر کند و میتواند برای اطمینان ضامن یا وثیقه کافی از او بگیرد \*

ماده ۶۰۸ - هرگاه اشیائی نزد کسی غیر متهم یافت و بازداشت شده باشد نمیتوان امر برد آنها بدیگری داد مگر اینکه اظهارات آن کس استماع و بادل او نیز رسیدگی شده باشد.

ماده ۶۰۹ - حکم برد اشیاء بازداشته با مقامی که متصدی بازجوئی یا دادرسی است میباشد و در صورت اختلاف در مالکیت حل اختلاف بدادگاه مدنی صلاحیت دار رجوع میشود \*

رأی دادرس بگیری هرگاه در ضمن حکمی که بپناز جوئی یا دادرسی خانمه میدهد صادر نشده باشد در جلسه اداری بصورت قرار و پس از استماع اظهارات اطراف دعوی در صورت حضور آنها صادر میشود \*